

بررسی واژه «اعتصام» در تفاسیر فریقین و نقش آن در ایجاد وحدت و نفی
تفرقه

ایوب شافعی پور^۱

چکیده

وحدت و یکی بودن و با هم بودن از دیرباز تا کنون از ضروریات هر جامعه به شمار می‌آید. از آن جایی که قرآن برنامه‌ای کامل برای زندگی بشر بوده، پژوهشگر در تحقیق حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به تبیین وحدت و نفی تفرقه با استفاده از آیات قرآنی که واژه‌ی اعتصام را به بحث گذاشته‌اند و تفسیر آن در منابع شیعه و اهل سنت پرداخته و در رأس آنان به اعتصام به حبل‌الله نیز با نگاهی ویژه پرداخته شده است. با تأمل در نصوص قرآنی و تفاسیر، فهمیده می‌شود که همه‌ی آیاتی که در مورد اعتصام در قرآن ذکر شده و از تفرقه، تنازع و اختلاف نهی کرده، آیات مدنی بوده و در مدینه نازل شده‌اند و به این اشاره دارد که اعتصام به حبل‌الله و تمسک به خداوند و دینش، از دلایل اصلی و عامل مهم قوت مسلمانان و اقامه و برپایی دولت مستقل اسلامی به شمار می‌رود. اعتصام به حبل‌الله راهی است برای نیرومند شدن، قوت گرفتن،

^۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی از دانشگاه مذاهب اسلامی

تهران، ایران Ayoubshafei@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۹ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۱/۱۲

اطاعت از خداوند، وحدت امت اسلامی و عزت مسلمانان و در مقابل تفرقه، تنازع و اختلاف، سببی است برای متفرق شدن امت اسلامی، ضعف و سستی آن‌ها و در نتیجه، غلبه‌ی دشمنان بر آنان. اطاعت از اوامر و فرامین الهی، هدایت شدن به راه راست و مستقیم، داخل شدن به رحمت الهی و کسب فضل خداوندی، معیت و همراهی مؤمنان و مرافقت آنان در دنیا و آخرت، از مهم‌ترین ثمرات اعتصام به حبل‌الله به شمار می‌روند و در مقابل شبیه شدن به کفار امت‌های پیشین، سست و ضعیف شدن امت اسلامی، وارد شدن در دایره‌ی شرک و تبری پیامبر خدا از کسانی که در دین تفرق ایجاد کرده‌اند، از تبعات اختلاف و تفرقه می‌باشد.

کلید واژگان: اعتصام، حبل‌الله، وحدت، تفرقه، تمسک، عروۃ الوثقی.

مقدمه

یکی از ضروریاتی که هر جامعه‌ی بشری از آغاز تا کنون بدان نیازمند بوده، وحدت و یکی بودن و با هم بودن است. در طول تاریخ، نقش وحدت و یکپارچگی در میان ملل و جوامع، نقشی بس بزرگ و همواره سرنوشت‌ساز بوده است و تاریخ گواه است که ملل و جوامعی که توانسته‌اند با هم یکی شوند و از تفرقه و چند دستگی خودشان را مصون بدارند، همواره ملتی سربلند و در مقابل دشمنان و هجوم خارجی پیروز بوده‌اند و جوامعی که این چنین نبوده‌اند و میانشان چند دستگی و نزاع و تفرقه وجود داشته است، با کمترین تهدیدی عزت خود را از دست داده و ناچار سر تعظیم مقابل دشمنان خود فرود آورده‌اند. در قرآن آیات بسیاری در مورد وحدت، نهی از تفرقه، سرنوشت و پیامدهای منفی چند دستگی سخن گفته‌اند و موانع و راهکارهای آن با ذکر نمونه‌هایی از امت‌های پیشین به روشنی در کلام خداوند منعکس گشته است. یکی از آن موارد آیاتی هستند که به اعتصام اشاره دارند که در آن آیات به بحث پیرامون تفرقه، اختلاف و چند دستگی پرداخته شده است. پژوهشگر در پژوهش حاضر در پی تبیین آن آیات و با تأکید بر اعتصام به حبل‌الله و با استفاده از آرای

مفسران به روش توصیفی - تحلیلی برآمده است و درصدد نقد، موانع و راهکارهای نفی تفرقه و اختلاف و آثار شوم آن برآمده است.

۱- اعتصام در لغت و اصطلاح

در این بخش به بررسی واژه «اعتصام» نزد اهل لغت و همچنین مفهوم آن در اصطلاح مفسران پرداخته می‌شود.

۱-۱- مفهوم لغوی «اعتصام»

واژه‌ی عصمه در نزد عرب به معنای منع و محافظت به کار رفته است و عصمه الله لعبد یعنی خداوند بنده‌اش را محافظت کرد و او را [از گناه] منع کرد. در این باره قرآن می‌فرماید: «قَالَ سَأُوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ (هود/۴۳)»؛ «گفت: به زودی به کوهی پناه می‌جویم که مرا از آب در امان نگاه می‌دارد.» همچنین خداوند در آیه‌ی دیگری از قرآن می‌فرماید: «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ (مائده/۶۷)»؛ «و خدا تو را از [گزند] مردم محافظت می‌کند.»

واژه‌ی اعتصام به معنای امتناع و ابا و ورزیدن نیز آمده است. خداوند در قصه‌ی حضرت یوسف (ع)، آن جا که یوسف (ع) از دعوت زلیخا امتناع و ابا می‌ورزد، می‌فرماید: «وَلَقَدْ رَأَوْهُ عَنِ نَفْسِهِ فَأَسْتَعْصَمَ (یوسف/۳۲)»؛ «من او را به خویشتن دعوت کردم؛ و او خودداری کرد!». پس با توجه به معنی وارد شده از اعتصام در آیه، عاصم به معنای مانع آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۰۴/۱۲). راغب چنین گفته است: اعتصام از واژه‌ی عصمه گرفته شده و به معنای چنگ زدن و تمسک جستن به چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۰). ابن فارس می‌گوید: واژه‌ی «عصم» به معنی نگه‌داشتن، منع و ملازمه آمده است و واژه‌ی «عصمه» نیز از همین گرفته شده است و وقتی گفته می‌شود خداوند بنده‌اش را از عمل بد و سوئی ممکن است در آن بیفتد، نگه می‌دارد، نیز همین معنا یعنی امساک و منع از آن فهمیده می‌شود (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۳۳۱/۴). فراهیدی در مورد اعتصام چنین گفته است: اعتصام از عصم و عصمه به معنای دفع و همچنین پناه بردن آمده است (فراهیدی، بی تا: ۳۱۳/۱).

همچنین اعتصام به معانی دیگری همچون پیوستن، حفظ، ممانعت، نگهداری و متوسل شدن نیز آمده است (آذرنوش، ۱۳۹۳: ۶۹۱).

با جست‌وجو و تأمل در کتب لغت پیرامون واژه‌ی «اعتصام» فهمیده می‌شود که برای این واژه معانی مختلفی مانند منع، آبا، نگه‌داشتن، ملازمه، محافظت و غیره آمده است که می‌توان گفت اکثر واژه‌های وارده شده در معنا به هم نزدیک هستند.

۲-۱- مفهوم اصطلاحی «اعتصام»

معانی واژه‌ی «اعتصام» در اصطلاح مفسرین، مانند معانی لغویان، به هم نزدیک است. این تقارب معنا در تعاریف ذیل مشهود است:

الف- شیخ طوسی: بنا بر قول صحیح، منظور از اعتصام بالله یعنی چنگ زدن به دین خداوند است (طوسی، بی تا: ۳۴۵/۷).

ب- علامه طباطبائی: اعتصام به خداوند یعنی متمسک شدن به خداوند و یعنی به آنچه امر می‌کند مؤتمر شده، از آنچه نهی می‌کند منتهی گردید و در هیچ حالی از او قطع رابطه مکنید؛ چون او مولی و سرپرست شما است (موسوی، ۱۳۷۴: ۵۸۳/۱۴).

ج- قرشی بنابی: اعتصام به خداوند یعنی به خدا چنگ زدن و در تمام کارها به فرموده‌ی او عمل کردن (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۹۱/۷).

د - شوکانی: اعتصام به خداوند یعنی چنگ زدن به دین الهی، اطاعت از او و اطمینان به وعده‌هایش (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴۲۰/۱).

ه - زمخشری: اعتصام به پروردگار یعنی چنگ زدن به دین خداوند و پناه بردن به او از شرّ شرور و کیدهای کفار (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۹۳/۱).

و- ابن عاشور: جمع شدن بر دین خدا و عدم تفرق تا این که با اتحاد، قوت و رشد دین حاصل شود (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۳۱/۴).

با دقت در تعاریف فقهاء، از واژه‌ی اعتصام، می‌توان گفت که اعتصام در اصطلاح مفسران به معنای تمسک به خداوند و دینش و راست دانستن وعده‌های الهی و پناه بردن به او برای در امان ماندن از شرّ و کید کافران است و همچنین با دقت در

تعاریف لغوی و اصطلاحی این واژه، فهمیده می‌شود که معنای لغوی و اصطلاحی «اعتصام» بسیار به هم نزدیک و مبین هم هستند.

۲- آیات «اعتصام» در قرآن و نفی تفرقه و اختلاف

چنگ زدن به حبل‌الله، راهی است برای قوی شدن امت اسلامی و شکست‌ناپذیری آنان در برابر کافران. راهی است برای پیروزی، عزت و کرامت امت اسلامی و تاریخ اسلام، خود گواه این است، زمانی که مسلمانان با هم به دین خداوند چنگ زدند و با هم دست واحد شدند، به جایگاه عظیمی دست یافتند و توانستند بر دشمنانشان یکی پس از دیگری غالب شوند و عظمت و شوکت بس بزرگی به دست آورند که امپراطوری‌های بزرگ دنیا را یکی پس از دیگری فرو نشانند و باعث شد تا سر تعظیم مقابل اسلام فرود آورند. همچنین خود تاریخ اسلام نیز گواه است، هنگامی که مسلمانان با هم اختلاف و نزاع کردند، باعث شد تا به جای این که با هم جلوی دشمن مشترکشان صف‌آرایی کنند با هم به مبارزه برخاستند و موجب سوء استفاده‌ی دشمن و شادمانی آنان شدند و بلاد اسلامی در چشم کفار به لقمه‌هایی آماده تبدیل شد که هر وقت بخواهند، می‌توانند به آن دست‌درازی کنند.

خداوند، در قرآن، در آیات متعددی به ضرورت وحدت، چنگ زدن به دین و دوری از اختلاف و فرقه‌گرایی که همگی راه‌کارهایی برای بازگشت مسلمانان به عزت و کرامت والا است، اشاره کرده است که عبارت‌اند از:

- «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل‌عمران/۱۰۳)»؛ «و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید!»

- «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ (نساء/۱۴۶)»؛ «مگر آن‌ها که توبه کنند، و جبران و اصلاح نمایند، به (دامن لطف) خدا، چنگ زنند، و دین خود را برای خدا خالص کنند؛ آن‌ها با مؤمنان خواهند بود.»

- «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ (نساء/۱۷۵)»؛
«پس کسانی که به خدا ایمان بیاورند و بدان (کتاب او، یعنی قرآن) چنگ زنند، ایشان را به رحمت خود وارد خواهد ساخت.»

- «وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (آل عمران/۱۰۱)»؛ «و هر کس به خدا تمسک جوید، بیگمان به راه راست و درست (رستگاری) رهنمود شده است.»
- «فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ (حج/۷۸)»؛ «پس نماز به پا دارید و زکات بدهید و به خدا (و کتاب او) متوسل شوید که او مولی شماست.»
با دقت در آیاتی که ذکر شد - گذشته از آن که آیات به اعتصام به حبل الله و برحذر داشتن از تفرقه و نفی اختلاف و ثمرات آن اشاره دارند - می توان گفت که همه ی این آیات مدنی هستند و در مدینه نازل شده اند و زمانی این آیات نازل شده اند که پیامبر (ص) به مدینه هجرت کرده اند و سنگ بنای دولت اسلامی در آن جا گذاشته شده است. که این خود می تواند به دو مطلب مهم اشاره داشته باشد:

الف: «اعتصام به حبل الله» مهم ترین وسیله و سببی بود که پیامبر(ص) و یارانش توانستند توسط آن دولتشان را بنا کنند و آن را رشد دهند و آن را به دشمنان خود نشان دهند، که همه این ها بعد از آن اتفاق افتاد که پیامبر(ص) و یارانش بارها توسط کافران عذاب دیدند و اذیت شدند و بدین خاطر مجبور به هجرت به مکان های مختلف مانند دو بار هجرت به حبشه، هجرت به طائف و در آخر هجرت به مدینه شدند. آیات مذکور نظایر آن، همگی در مدینه بر پیامبر(ص) نازل شده اند و پیامبر(ص) و یارانش را در وهله ی اول مورد خطاب قرار می دهند و به آنان گوشزد می کنند که از تفرقه و اختلاف برحذر باشند؛ زیرا این ها راهی هستند برای ضعف بعد از قوت و شکست بعد از پیروزی.

ب: آیات، همچنین به این اشاره دارند که امت اسلامی در هر زمان و مکانی که هستند، به خداوند و دینش چنگ زنند و از دو دستگی برحذر باشند تا به عزت و مجد و سربلندی که در زمان حیات پیامبر(ص) دارای آن بودند، برسند و این نکته از آیات، قابل برداشت است که امت اسلامی به جز حرکت بر اساس خط مشی

پیامبر(ص) و راه و روش ایشان هرگز نمی‌تواند به عزت و کرامت برسد و از اختلاف و چند دستگی نجات پیدا کند و به جز با چنگ زدن به خداوند و دینش راهی برای پیروزی نیست. آن چنان که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد/۷)»؛ «ای مؤمنان! اگر (دین) خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد».

۳- «اعتصام به حبل‌الله» راهی برای وحدت امت اسلامی

خداوند، نعمت‌های بسیار بزرگی به انسان مسلمان بخشیده است، از بزرگ‌ترین این نعمت‌ها بعد از ایمان و هدایت، نعمت اخوت و برادری است که سبب آن، همان دین واحدی است که همه را گرد هم جمع کرده است. پس رابطه‌ی دین از رابطه‌ی سببیت و نسبت بس قوی‌تر بوده و هست. و همین رابطه‌ی دین، باعث گردیده که مسلمانان مانند جسدی واحد باشند که اگر عضوی از آنان دچار ناراحتی گردد، بقیه‌ی اعضا نیز ناراحت شوند. علی‌رغم این که در رنگ و جنس و زبان با هم فرق داشته باشند و مانند هم نباشند؛ پس همین متوسل شدن به حبل‌الله و دین خداوند، باعث گردیده تا همگی زیر یک پرچم به نام اسلام جمع شوند. بدین خاطر است که خداوند به یاران پیامبر(ص) این نعمت بزرگ را یادآوری می‌کند و می‌گوید: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا (آل‌عمران/۱۰۳)»؛ «و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که بدان گاه که (برای همدیگر) دشمنانی بودید و خدا میان دل‌هایتان (انس و الفت برقرار و آن‌ها را به هم) پیوند داد، پس (در پرتو نعمت او برای هم) برادرانی شدید.»

پس خداوند به یاران پیامبر(ص) دستور می‌دهد تا به یاد بیاورند زمانی را که آن‌ها با هم اختلاف داشته‌اند و هم دیگر را به قتل می‌رسانده‌اند؛ پس به سبب نعمت دین و چنگ زدن به دین الهی، آنان با هم جمع و برادرانی شدند که دوستدار و غم‌خوار یکدیگر شدند (شوکانی، ۱۴۱۴: ۱/۴۲۰).

پس برادری ایجاد شده به خاطر اعتصام به حبل‌الله، نعمتی بود که خداوند به مسلمانان صدر اسلام بخشید و این نعمتی است که خداوند برای هر کس که بخواهد

می‌بخشد و خداوند در آیه‌ی ذکر شده، آن نعمت را یادآوری می‌کند. به مسلمانان این را یادآوری می‌کند که چگونه در جاهلیت دشمن هم بودند، نمونه‌ی بارز آن دشمنی خونین دو قبیله اوس و خزرج در مدینه بود. دو قبیله‌ای که مجاور هم بودند اما دشمن هم. در حالی که یهودیان در کنار آن‌ها در آرامش زندگی می‌کردند. پس آن گاه، خداوند بین آن‌ها صلح برقرار ساخت و آنان را برادران هم ساخت و آن جز به واسطه‌ی گرفتن حبل‌الله و دین خداوند نبود و این گونه شد که آنان «بنعمه إخواناً» شدند (سید قطب، ۱۴۱۲: ۴۴۲/۱).

علامه‌ی طباطبایی، در این مورد در تفسیرش آورده است: یعنی خداوند خواسته که بفرماید، اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می‌خوانیم بی‌دلیل نیست. دلیل بر اینکه شما را بدان دعوت کرده‌ایم، همین است که خود به چشم خود ثمرات اتحاد و اجتماع و تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشیدید و در اثر تفرقه در لبه‌ی پرتگاه آتش رفتید و در اثر اتحاد و الفت از آتش، نجات یافتید، و اگر ما این دلیل را به رخ شما می‌کشیم، نه از این باب است که بر خود واجب می‌دانیم هر چه می‌گوئیم، دلیلش را هم ذکر بکنیم و اگر ذکر نکنیم دلیل بر این است که گفتارمان حق نبوده، نه، گفتار ما همیشه حق است، چه دلیلش را هم ذکر بکنیم و چه نکنیم بلکه از این باب است که بدانید این تمسک به حبل‌الله و اتحاد شما نعمتی است از ناحیه‌ی ما و در نتیجه، متوجه شوید که تمامی دستوراتی که ما به شما می‌دهیم، همه‌اش مثل این دستور به نفع شما است و سعادت و راحت و رستگاری شما را تأمین می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۵۷۴/۳).

ابن عاشور در تفسیر آیه‌ی ۱۰۳ سوره آل‌عمران در مورد نقش اعتصام به حبل‌الله و دین خداوند در وحدت مسلمانان صدر اسلام و تثبیت آن وحدت در میان دیگر مسلمانان در هر عصری حتی تا روز قیامت این چنین می‌گوید: خداوند بدین خاطر دشمنی مسلمانان را در عصر جاهلیت به آنان گوشزد و یادآوری می‌کند که اعتصام به حبل‌الله و داخل شدن در دین خدا باعث گردیده تا آنان از توحش جاهلیت خود بیرون آیند و به‌وسیله‌ی آن، برادرانی گردند که کنار هم باشند و به آنان این را یادآوری می‌کند که راه نجاتشان از گمراهی اعتصام به حبل‌الله بوده است و یادآوری و

گوشزد کردن نعمت خداوند به بندگانش یکی از شیوه‌هایی بود که پیامبران از آن برای دعوت قوم خود از آن استفاده می‌کردند. همان گونه که خداوند درباره قوم هود می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَاكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ (اعراف/۶۹)»؛ «به یاد آورید آن زمانی را که شما را بعد از قوم نوح وارثان زمین کرد» و همچنین درباره‌ی قوم شعیب می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ (اعراف/۸۶)»؛ «به خاطر آورید آن زمانی را که اندک بودید و خداوند شما را افزون کرد.» پس آیه‌ی ۱۰۳ آل‌عمران، مخصوص یادآوری به یاران پیامبر(ص) است که در جاهلیت دشمن هم بودند و خطاب به مهاجرین و انصار که همه‌ی آن‌ها قبل از اسلام دشمن هم بوده و بیشتر آنان از قبیله‌ی اوس و خزرجی بودند که جنگ و خونریزی‌های آنان تا ۱۲۰ سال قبل از بعثت نیز ادامه داشت تا این که خداوند بین دل‌های آنان به‌وسیله‌ی اسلام، اصلاح برقرار کرد و اعتصام به حبل‌الله و جمع شدن به دور پیامبر(ص) سببی برای وحدتشان شد (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۳۴/۴).

از دیگر آیاتی که به نعمت بزرگ خداوند یعنی جمع کردن انسان‌ها و دشمنان آن‌ها در یک جا و وحدت و یکی شدن به‌وسیله‌ی اعتصام به حبل‌الله اشاره دارد این آیه است که خداوند می‌فرماید: «لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَفَ بَيْنَهُمْ (انفال/۶۳)»؛ «در میان آنان، الفت ایجاد نمود (و دل‌های پر از حقد و کینه‌ی آنان را به هم نزدیک و مهربان کرد، به‌گونه‌ای که) اگر همه‌ی آنچه در زمین است صرف می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان انس و الفت برقرار سازی.» یعنی خداوند، آن‌ها را به‌وسیله‌ی ایمان و اطاعت از تو (پیامبر) و همراهی تو، یک جا جمع کرد؛ در حالی که قبل از آن بین انصار در عصر جاهلیت، جنگ‌های سختی بود که خداوند با نور ایمان، به آن جنگ‌ها پایان داد (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷۴/۴).

در حدیثی نیز پیامبر (ص) به انصار یادآوری می‌کند که روزی با هم دشمن بوده‌اند که در حدیث این گونه آمده است: «يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، أَلَمْ أَجِدْكُمْ ضَلَالًا فَهَدَاكُمْ اللَّهُ بِي، وَكُنْتُمْ مُتَفَرِّقِينَ فَأَلْفَكُمُ اللَّهُ بِي، وَعَالَهُ فَأَغْنَاكُمْ اللَّهُ بِي

(بخاری، ۱۴۲۲: ۱۵۷/۵، روایت ۴۳۳۰)؛ «ای گروه انصار! آیا شما گمراه نبودید، پس خداوند به وسیله من شما را هدایت کرد. متفرق بودید، خداوند به وسیله من، شما را متحد کرد. نیازمند بودید خداوند به وسیله من شما را مستغنی کرد.» که این آیه از قرآن نیز مؤید همین است. آن جا که خداوند می‌فرماید: «وَوَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (حجر/۴۷)»؛ «و ما آینه دل‌های پاک آن‌ها را از کدورت کینه و حسد و هر خُلق ناپسند به کلی پاک و پاکیزه ساختیم و همه برادروار روبروی یکدیگر بر تخت‌های عزت بنشینند.»

پس با توجه به آن چه که گذشت و از خلال آیات و روایات می‌توان گفت که اعتصام به حبل‌الله، نقشی انکارناپذیر در توحید امت و سربلندی آن دارد و مسلمانان با آن می‌توانند به صلابتی والا دست پیدا کنند.

۴. ثمرات و نتایج «اعتصام به حبل‌الله»

اعتصام به حبل‌الله سفارش خداوند برای پیامبرش و کسانی که همراه ایشان هستند، می‌باشد و دوری جستن از اختلاف و چند دستگی نیز وصیتی از جانب خداوند برای پیامبر (ص) و امتش است تا این که بدان وسیله نیروی خود را از دست نداده و ضعیف نگشته تا دشمن بر آنان چیره شود. این وصیت گران‌بهای خداوند به پیامبر (ص) و امتش تا روز قیامت جاری است و این وصیت یعنی اعتصام به حبل‌الله، دارای ثمرات و نتایجی است که در این بخش به آن پرداخته خواهد شد.

اعتصام به حبل‌الله، ثمراتی بس بزرگ در دنیا و آخرت به دنبال خواهد داشت که خداوند آن را در قرآن بیان داشته است:

الف - اطاعت از اوامر و نواهی خداوند: توسل امت اسلامی به حبل‌الله و پیروی از دین خدا، نوعی اطاعت از اوامر الهی به حساب می‌آید؛ زیرا خداوند، بنده‌اش را به چیزی دستور نمی‌دهد مگر آن چیز برای او خیر است و او را از چیزی نهی نمی‌کند مگر این که آن چیز برای او شر باشد. آن جا که خداوند می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِهِ حَبْلَ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل‌عمران/۱۰۳)»؛ «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید.»

یعنی این که به اسباب خداوندی و دین الهی که خداوند بدان دستور داده چنگ بزنید و به الفت و جمع شدن بر کلمه‌ی حق و تسلیم فرامین خداوندی مبادرت ورزید و از چند دستگی و فرقه فرقه شدن که خداوند آن را نهی کرده، بر حذر باشید و از آن دست بکشید که با این کار اطاعت خداوند کرده‌اید و الفت و برادری و اتحاد برای شما حاصل شده و خداوند از شما راضی خواهد شد (طبری، ۱۴۲۰: ۷/۷۰).

فخر رازی، پیرامون معنای اعتصام به حبل‌الله می‌گوید: که دستور خداوند به تمسک و اعتصام به حبل‌الله برای این است که تمسک به حبل‌الله، مایه و اصل و سرچشمه‌ی همه‌ی خوبی‌ها است که مهم‌ترین آن، اطاعت از اوامر الهی است. و بدون شک، راهی که خداوند بدان دستور می‌دهد (اعتصام به حبل‌الله) راهی است دقیق. پس کسی که به دین خداوند چنگ زد و به آن اعتصام ورزید، به درستی که از خداوند اطاعت کرده است و مراد از حبل، در آیه هر آن چیزی است که ما را به حق و دین حق می‌رساند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۱۱/۸).

از مفهوم «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» دو پیام می‌توان دریافت کرد:

۱. وحدت و دوری از تفرقه، یک وظیفه‌ی الهی است. ۲. محور وحدت باید دین خدا باشد، نه نژاد، زبان، ملیت و ... (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۷۷/۱).

پس با توجه به آن چه گذشت، مشخص شد که اطاعت از خداوند و فرامین و دستورات الهی، ثمره و نتیجه‌ای از ثمرات اعتصام به حبل‌الله است.

ب - هدایت به راه راست: یکی دیگر از ثمرات و نتایج اعتصام به حبل‌الله هدایت به راه حق و درست است، آن چنان که خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل‌عمران/۱۰۱)؛ «و هر کس به خدا تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است.» پس تمسک به خداوند و توکل به او نقش عمده‌ای در رسیدن به حق و مراد است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷۴/۲). قرطبی در این باره می‌گوید: هر کس که به خدا و دینش تمسک جوید و اطاعت از خداوند را پیشه‌ی خود کند به هیچ راهی به جز راه راست و مستقیم نخواهد رسید (قرطبی، ۱۳۸۴: ۱۵۶/۴). شوکانی می‌گوید: خداوند انسان را به اعتصام به حبل‌الله راهنمایی و سفارش

فرموده تا بدین وسیله به هدایت و صراط مستقیم که همانا اسلام است، برسند (شوکانی، ۱۴۱۴: ۱/۴۲۰).

ج - مشمول رحمت و موجب فضیلت الهی قرار گرفتن: یکی دیگر از ثمرات و نتایج اعتصام به حبل‌الله، کسب رحمت و هدایت و فضیلت خداوندی است. خداوند در این باره می‌فرماید: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَأَعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَقَضَلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (نساء/۱۷۵)»؛ «و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به‌سوی خود، به راهی راست هدایت کند.»

تمسک به خداوند، باعث اثبات ایمان، مصونیت از فسادهای شیطانی و داخل شدن به رحمت و فضائل الهی است و همچنین باعث سوق انسان به راه درست و راست می‌شود. پس خداوند به معتصمین و متمسکین به دین خود، سه چیز را وعده داده است: رحمت، فضیلت و هدایت. ابن عباس در این باره می‌گوید: مراد از رحمت، بهشت است و مراد از فضیلت، آن فضیلتی است که نه چشمی دیده و نه گوشی آن را شنیده است و مراد از راه راست و مستقیم، همان دین استوار و راست الهی است (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲/۲۷۴). ابن کثیر، در تفسیر آیه‌ی مذکور چنین می‌گوید: کسانی که به خداوند ایمان آورده و به آن تمسک ورزیده‌اند بین دو مقام عبادت خداوند و توکل بر او در همه‌ی امور جمع شده‌اند، آن‌ها کسانی هستند که خداوند آن‌ها را مشمول رحمت خود قرار داده و آن‌ها را وارد بهشت می‌کند و ثواب بسیاری به آنان اعطاء می‌گردد و درجه‌ی آنان در آخرت بس بالا می‌رود و به آنان فضل و احسان اعطاء می‌شود و آنان به راه درست و مستقیمی سوق داده شده‌اند که راه روشن و بدون انحراف بوده و این صفت مؤمنان در دنیا و آخرت است. پس آنان کسانی بودند که در دنیا بر سبیل استقامت و سلامت در همه‌ی اعتقادات بوده‌اند و در آخرت نیز بر راه راستی قرار دارند که آنان را به طبقات والای بهشت سوق می‌دهد (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲/۴۲۸). علامه طباطبایی نیز معتقد است صراط مستقیم و هدایت به راه راست در حقیقت یکی از آثار اعتصام به خدای تعالی است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۵/۲۴۹).

د - معیت و همراهی با مؤمنان در دنیا و آخرت: هر کس که به حبیل‌الله و دین خداوند تمسک جوید، معیت و همراهی مؤمنان نتیجه‌ی آن است، که این قول خداوند در قرآن نیز گواه همین است: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ (نساء/۱۴۶)»؛ «مگر کسانی که توبه کردند و [عمل خود را] اصلاح نمودند و به خدا تمسک جستند و دین خود را برای خدا خالص گردانیدند که [در نتیجه] آنان با مؤمنان خواهند بود.» آیه‌ی ذکر شده بعد از بحث پیرامون منافقان و عذاب شدید آن‌ها و جایگاه بد آن‌ها در بدترین درجات جهنم، این را بیان می‌دارد که هر کس که توبه نماید و راه اصلاح را در پیش گیرد و به دین خدا تمسک ورزد و به گونه‌ای در عمل خود اخلاص بورزد که دیگر به اعمال سوء گذشته‌ی خود برنگردد، معیت مؤمنان شامل حال او می‌شود (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۲۴۴/۵). قرطبی در مورد این آیه می‌گوید: یکی از شرایط توبه از نفاق این است که فرد در قول و فعلش خود را اصلاح کرده و به خدا تمسک ورزیده تا بدین وسیله خدا پناهگاه و جایگاهی برای او باشد، که اگر این امور در شخص انجام نگرفت، توبه‌ی وی [از نفاق] مورد پذیرش نبوده است (قرطبی، ۱۳۸۴: ۴۲۶/۵).

۵. آثار و نتایج تفرقه و اختلاف

خداوند امت اسلامی را از تفرقه و اختلاف و چند دستگی نهی و بر حذر داشته است و آثار شوم تفرقه و اختلاف را با ذکر نمونه‌هایی از امت‌های پیشین، به آنان گوشزد می‌کند. تفرقه و چند دستگی آثاری به دنبال دارد که عبارت‌اند از:

الف - شبیه شدن به کفار امت‌های پیشین: خداوند در این مورد می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (آل عمران/۱۰۵)»؛ «و شما مسلمانان، مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات روشن برای (هدایت) آن‌ها آمد، راه تفرقه و اختلاف پیمودند، که البته برای آن‌ها عذاب بزرگ خواهد بود.» خداوند، امت اسلامی را از این که مانند امت‌های قبل با هم اختلاف کنند و میانشان تفرقه باشد و امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، نهی کرده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷۹/۲). پس با توجه به آن چه آیه بیان کرد، می‌شود

گفت که خداوند هر کس را که دنبال اختلاف باشد و ایجاد تفرقه کند، ایشان را به کفار تشبیه می‌کند و کسانی که با هم اختلاف می‌کنند و چند دستگی بین آنان وجود دارد مانند کفار امت‌های پیشین هستند.

ب - سستی و ضعف: خداوند، امت را از هرگونه اختلاف و تفرقه، نهی کرده زیرا موجب سستی و ضعف امت اسلامی گشته و نتیجه‌ی آن چیره شدن دشمنان بر امت است. آن‌گونه که خداوند می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/۴۶)؛ «و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نیویید که در اثر تفرقه ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد.»

آیه‌ی مذکور به این اشاره دارد که جنگ و درگیری و اختلاف، موجب سستی، ضعف و ترس می‌شود و منظور از «وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» همان «تذهب قوتکم» است (خازن، ۱۴۱۵: ۳۱۷/۲).

آیت‌الله مکارم شیرازی، در تفسیرش در این باره اشاره‌ی لطیفی دارد و می‌گوید: خداوند فرموده اگر به نزاع با یکدیگر برخیزید سست می‌شوید و به دنبال آن، باد، شما را از میان خواهد برد، اشاره لطیفی به این معنی است که قوت و عظمت و جریان امور بر وفق مراد و مقصودتان از میان خواهد رفت زیرا همیشه وزش بادهای موافق سبب حرکت کشتی‌ها به سوی منزل مقصود بوده است، و در آن زمان که تنها نیروی محرک کشتی وزش باد بود، این مطلب فوق‌العاده اهمیت داشت. به‌علاوه وزش باد به پرچم‌ها، نشانه‌ی بر پا بودن پرچم که رمز قدرت و حکومت است می‌باشد و تعبیر فوق کنایه‌ای از این معنی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۹۶/۷).

نهی از تنازع و تفرقه و چند دستگی مقتضی تفاهم داشتن و کنار گذاشتن اختلافات و مشورت کردن با هم در مشکلات و موانع است. پس اگر در چیزی با هم نزاع کردند و چند دستگی به وجود آمد، برای برون‌رفت از آن نزاع باید فوراً به حاکم اسلامی یا ولی امر مسلمین رجوع کرد تا آن اختلاف حل گردد و موجبات سستی و ضعف آن قوم نگردد، که اگر چنین گردد، امت اسلامی دچار انفکاک و چند دستگی

شده و آن وقت است که دشمن بر آنان غالب می‌گردد و سرزمینشان در نظر دشمنان مباح گشته و به آبروها هتاک شده و کرامت، دچار خدشه گشته و به مقدسات بی‌حرمتی شده و خواری، عزیز می‌شود (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۳۱/۱۰).

ج - وارد شدن در شرک: خداوند، مؤمنان را از تفرقه و اختلاف که از صفات مشرکین است بر حذر داشته و امت اسلامی را از عواقب آن برحذر و نهی می‌کند. در این مورد خداوند فرموده است: «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ. مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (روم/۳۱ و ۳۲)»؛ «و هرگز از فرقه مشرکان نباشید. از آنان که دین خود را متفرق و پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند و هر گروهی به آنچه دارند دل شادند.» پس خداوند در آیه‌ی مذکور کسانی که با هم اختلاف دارند و دچار چند دستگی هستند را مشرک و اوصاف آنها را از اوصاف مشرکین معرفی می‌کند؛ زیرا شرک انواع و اقسامی دارد. برخی با پرستش جن، برخی با پرستش و توسل به ملائکه، برخی با استعانت از ستارگان، برخی با پرستش پادشاهان و برخی با استعانت از سنگ و درخت شرک می‌ورزند (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲۷۶۸/۵) و خداوند در آیه‌ی مذکور اختلاف و چند دستگی را از اسباب شرک معرفی کرده است.

آیت‌الله مکارم نیز، ذیل تفسیر آیه‌ی مذکور چنین بیان می‌کند: یکی از نشانه‌های شرک، پراکندگی و تفرقه است؛ چرا که معبودهای مختلف منشأ روش‌های متفاوت، و سرچشمه‌ی جدایی‌ها و پراکندگی‌ها است، به خصوص اینکه شرک همواره توأم با هوای نفس و تعصب و کبر و خودخواهی و خودپسندی و مولود آن است، لذا اتحاد و وحدت جز در سایه خداپرستی و عقل و تواضع و ایثار امکان‌پذیر نیست. بنابراین، هر جا اختلاف و پراکندگی دیدیم باید بدانیم نوعی شرک حاکم است، این موضوع را به صورت نتیجه می‌توان بازگو کرد که نتیجه‌ی شرک جدایی صفوف، تضاد، هدر رفتن نیروها، و سرانجام ضعف و زبونی و ناتوانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۲۱/۱۶).

د - بیزاری پیامبر(ص): خداوند پیامبرش را از کسانی که در میان مردم اختلاف می‌اندازند و در دین خداوند چند دستگی ایجاد می‌کنند، بری دانسته است و

می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ (انعام/۱۵۹)»؛ «آنان که دین را پراکنده نمودند و (در آن) فرقه فرقه شدند (چشم از آن‌ها بپوش) چنین کسانی به کار تو نیایند» آیه در این صراحت دارد کسانی که در میان امت اسلامی فرقه فرقه و حزب حزب شدند و خود را از بقیه‌ی مسلمانان جدا دانستند، خداوند براءت پیامبرش را از آنان اعلام داشته است. یعنی در واقع خداوند به پیامبرش می‌گوید که ای پیامبر! کسانی که تفرقه ایجاد کردند و اختلاف‌افکنی کردند از شما نیستند و شما نیز از آنان نخواهی بود (قرطبی، ۱۳۸۴: ۱۵۰/۷). ابن کثیر در مورد این آیه می‌گوید: خطاب آیه عام است و شامل هر کسی که در دین خدا اختلاف می‌اندازد و از دین خدا فرقه فرقه درست می‌کند، می‌شود؛ زیرا شرع، یکی است و چند دستگی و ایجاد شعبه در آن معنایی ندارد (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۳۹/۳). پس هر کس در دین خداوند به دنبال چند دستگی و ایجاد اختلاف باشد، خداوند، تبری رسولش را از آنان خبر داده است.

نتیجه‌گیری

از پژوهش حاضر نتایج ذیل به دست آمده است:

- ۱- اعتصام در قرآن به معانی مختلفی از جمله چنگ زدن، توسل جستن، تمسک ورزیدن، اعتماد، حمایت، امید داشتن و دفع آمده است.
- ۲- همه‌ی آیاتی که در مورد اعتصام در قرآن ذکر شده و از تفرقه، تنازع و اختلاف نهی کرده، آیات مدنی بوده و در مدینه نازل شده‌اند و به این اشاره دارد که اعتصام به حبل‌الله و تمسک به خداوند و دینش، از دلایل اصلی و عامل مهم قوت مسلمانان و اقامه و برپایی دولت مستقل اسلامی به شمار می‌رود.
- ۳- اعتصام به حبل‌الله راهی است برای نیرومند شدن، قوت گرفتن، اطاعت از خداوند، وحدت امت اسلامی و عزت مسلمانان.
- ۴- تفرقه، تنازع و اختلاف، سببی است برای متفرق شدن امت اسلامی، ضعف و سستی آن‌ها و در نتیجه غلبه‌ی دشمنان بر آنان.

۵- مهم‌ترین ثمرات و نتایج اعتصام به حب‌ل‌الله، عبارت است از: اطاعت از اوامر و فرامین الهی، هدایت شدن به راه راست و مستقیم، داخل شدن به رحمت الهی و کسب فضل خداوندی، معیت و همراهی مؤمنان و مرافقت آنان در دنیا و آخرت.

۶- مهم‌ترین پیامدها و نتایج تفرقه و اختلاف، عبارت است از: شبیه شدن به کفار امت‌های پیشین، سست و ضعیف شدن امت اسلامی، وارد دایره‌ی شرک شدن و تبری پیامبر خدا از کسانی که در دین تفرق ایجاد کرده‌اند.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، نشر نی، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۳ هـ.ش.
- ابن عاشور، محمد طاهر، التحرير و التنوير، تونس، الدار التونسية للنشر، ۱۹۸۴ م.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، بيروت، دار الفكر، ۱۳۹۹ هـ.ق.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، چاپ سوم، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، چاپ اول، بی جا، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ هـ.ق.
- خازن، علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان الداودی، دمشق، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- سید قطب، ابراهیم، فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير، چاپ اول، بيروت و دمشق، دار ابن كثير و دار الكلم الطيب، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ هـ.ق.

- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، چاپ اول، بی‌جا، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۰هـ.ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی‌تا.
- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰هـ.ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، بی‌جا، مکتبه الهلال، بی‌تا.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸هـ.ش.
- قرشی بنابی، علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ دوم، ۱۳۷۵هـ.ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چاپ دوم، قاهره، دار الکتب المصریة، ۱۳۸۴هـ.ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم، ۱۳۷۱هـ.ش.
- موسوی، محمد باقر، ترجمه ی تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴هـ.ش.